

## Islamic Knowledge and Insight

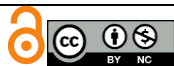
### Jurisprudential–Legal Analysis of the Role of Mistake and Fault in Excluding Criminal Liability with Emphasis on Imami Jurisprudence and the Islamic Penal Code of Iran

1. Hossein Sepehri Noosh Ghorbani: PhD Student, Department of Theology, Ha.C., Islamic Azad University, Hamedan, Iran
2. Hadi Shafiei Nategh \*: Department of Theology, Ha.C., Islamic Azad University, Hamedan, Iran. (Email: Hadi.nategh@iau.ac.ir)
3. Razieh Hassankhani: Department of Law, Ha.C., Islamic Azad University, Hamedan, Iran
4. Amir Mehdi Azizi: Department of Law, Ha.C., Islamic Azad University, Hamedan, Iran

#### Abstract

Criminal liability requires the attribution of criminal conduct to the offender and the existence of discernment, understanding, and free will on the part of the perpetrator. In this regard, mistake and ignorance may weaken or eliminate criminal liability by affecting the mental element (*mens rea*) of the offense. The present study aims to provide a jurisprudential and legal analysis of the role of mistake and fault in removing or mitigating criminal liability through an examination of the perspectives of Imami (Ja'fari) jurisprudence and the provisions of the Islamic Penal Code of Iran. The research was conducted using a descriptive–analytical method based on library research. The findings indicate that in Imami jurisprudence, mistake is generally discussed within concepts such as ignorance (*jahl*), error (*khata'*), and negligence (*tafrīt*), and jurists distinguish between excusable ignorance and culpable ignorance. Only non-culpable ignorance can exclude criminal liability. Furthermore, in unintentional offenses, the establishment of fault is considered a condition for liability in certain cases, whereas in others, the mere occurrence of damage or destruction is sufficient to establish liability. Within Iranian criminal law, although the legislator has identified certain instances of fault in Note to Article 145 of the Islamic Penal Code (2013), no comprehensive rule has been provided regarding the role of fault across all unintentional crimes. The analysis demonstrates that the legislation has, in many respects, been influenced by the dominant opinions of Imami jurists; nevertheless, several ambiguities remain. Ultimately, the study emphasizes the necessity of developing clearer legal criteria for distinguishing between excusable and inexcusable mistake in order to prevent the imposition of punishment on individuals lacking genuine fault.

**Keywords:** *Mistake; Fault; Criminal Liability; Imami Jurisprudence; Islamic Penal Code.*



**How to cite:** Sepehri Noosh Ghorbani, H., Nategh, H. S., Hassankhani, R., & Azizi, A. M. (2026). Jurisprudential–Legal Analysis of the Role of Mistake and Fault in Excluding Criminal Liability with Emphasis on Imami Jurisprudence and the Islamic Penal Code of Iran. *Islamic Knowledge and Insight*, 4(4), 1-17.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 30 September 2025

Revise Date: 16 February 2026

Accept Date: 22 February 2026

Initial Publish: 24 February 2026

Final Publish: 22 December 2026

## معرفت و بصیرت اسلامی

### تحلیل فقهی–حقوقی نقش اشتباه و تقصیر در رفع مسؤلیت کیفری با تأکید بر فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی ایران

۱. حسین سپهری نوش قربانی: دانشجوی دکتری، گروه الهیات، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
۲. هادی شفیع ناظق\*: گروه الهیات، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (پست الکترونیک: Hadi.nategh@iau.ac.ir)
۳. راضیه حسنخانی: گروه حقوق، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
۴. امیر مهدی عزیزی: گروه حقوق، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

#### چکیده

مسئولیت کیفری مستلزم قابلیت انتساب رفتار مجرمانه به مرتکب و برخورداری وی از قوه تشخیص، تمیز و اختیار است. در این میان، اشتباه و جهل می‌توانند با تأثیر بر عنصر روانی جرم، مسئولیت کیفری را تضعیف یا منتفی سازند. پژوهش حاضر با هدف تحلیل فقهی–حقوقی نقش اشتباه و تقصیر در رفع یا تخفیف مسئولیت کیفری، به بررسی دیدگاه‌های فقه امامیه و مقررات قانون مجازات اسلامی ایران می‌پردازد. این تحقیق با روش توصیفی–تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در فقه امامیه، اشتباه غالباً در قالب مفاهیمی چون جهل، خطا و تفریط مطرح شده و فقها میان جهل قصوری و تقصیری تفکیک قائل‌اند. تنها جهل غیرمقصرا نه می‌تواند رافع مسئولیت باشد. همچنین در جنایات غیر عمدی، در برخی موارد احراز تقصیر شرط ضمان دانسته شده و در برخی دیگر، صرف تحقق اتلاف موجب ضمان است. در حقوق کیفری ایران نیز، هرچند قانون‌گذار در تبصره ماده ۱۴۵ مصادیقی از تقصیر را بیان کرده، اما قاعده‌ای کلی درباره نقش تقصیر در همه جنایات غیر عمدی ارائه نکرده است. بررسی‌ها حاکی از آن است که قانون در بسیاری موارد از نظر مشهور فقهای امامیه تأثیر پذیرفته، اما همچنان ابهاماتی وجود دارد. در نهایت، پژوهش حاضر بر ضرورت تبیین ضوابط روشن‌تر برای تشخیص اشتباه معذور و غیرمعذور تأکید می‌کند تا از تحمیل مجازات بر افراد فاقد تقصیر واقعی جلوگیری شود.

**کلیدواژه‌گان:** *اشتباه، تقصیر، مسئولیت کیفری، فقه امامیه، قانون مجازات اسلامی.*

شیوه استناددهی: سپهری نوش قربانی، حسین، شفیع ناظق، هادی، حسنخانی، راضیه، و عزیزی، امیر مهدی. (۱۴۰۵). تحلیل فقهی–حقوقی نقش اشتباه و تقصیر در رفع مسؤلیت کیفری با تأکید بر فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی ایران. *معرفت و بصیرت اسلامی*، ۴(۴)، ۱-۱۷.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۸ مهر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۷ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۳ اسفند ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۵ اسفند ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۵

مقدمه

تحولات سیاست جنایی معاصر و گرایش به فردی‌سازی مسئولیت، ایجاب می‌کند که وضعیت ذهنی مرتکب با دقت بیشتری بررسی شود تا از تحمیل مجازات بر افراد فاقد تقصیر واقعی جلوگیری گردد. این امر نه تنها با مبانی عقلایی و اخلاقی سازگار است، بلکه ریشه در آموزه‌های فقهی نیز دارد که مجازات بدون تقصیر را قبیح می‌دانند. بر این اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد با رویکردی فقهی-حقوقی و تطبیقی، جایگاه اشتباه و تقصیر را در قلمرو مسئولیت کیفری تبیین کند.

یکی از مسائل بنیادین در حقوق کیفری، تعیین شرایطی است که به موجب آن بتوان رفتار زیان‌بار را به مرتکب منتسب و او را مستحق مجازات دانست. اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری و لزوم وجود عنصر روانی، اقتضا دارد که مرتکب از ماهیت رفتار خود و نتایج آن آگاهی داشته باشد. با این حال، در عمل مواردی رخ می‌دهد که شخص در غیرقانونی بودن عمل، اوصاف مجرمانه رفتار یا حتی در تشخیص موضوع دچار اشتباه می‌شود. در چنین وضعیتی، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که آیا می‌توان او را همانند شخص عالم و آگاه مسئول شناخت یا باید در مسئولیت وی تجدیدنظر کرد. در فقه جزایی، جرایم به عمد، شبه‌عمد و خطای محض تقسیم می‌شوند و هر یک احکام خاص خود را دارند. در جرایم غیرعمدی، غالباً عنصر «اشتباه» یا فقدان قصد نتیجه نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (Hosseini, 1991). با این حال، همه موارد خطا لزوماً مستلزم اثبات تقصیر نیست و در برخی فروع، صرف تحقق نتیجه زیان‌بار موجب ضمان می‌شود. از سوی دیگر، در مواردی نیز فقها بر نقش تفریط و تقصیر در تحقق ضمان تأکید کرده‌اند، مانند کوتاهی در حفظ حیوان یا مراقبت از اموال (Shahid Thani, 1989). در قانون مجازات اسلامی نیز، هرچند به مصادیق تقصیر اشاره شده، اما قاعده‌ای عام و

مسئولیت کیفری به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم حقوق جزا، بیانگر قابلیت انتساب رفتار مجرمانه به مرتکب و امکان تحمیل ضمانت اجراهای کیفری بر اوست. تحقق این مسئولیت در نظام‌های حقوقی، اعم از حقوق موضوعه و فقه اسلامی، مستلزم وجود ارکان و شرایطی است که مهم‌ترین آنها قوه تشخیص و تمیز و نیز اختیار در ارتکاب رفتار مجرمانه است. در صورت فقدان هر یک از این عناصر، هرچند ممکن است رفتار ارتكابی از نظر مادی واقع شده باشد، اما انتساب کیفری آن با تردید مواجه می‌شود. در این میان، «اشتباه» و «جهل» از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر بر عنصر روانی جرم‌اند که می‌توانند موجب تزلزل یا زوال مسئولیت کیفری شوند. در فقه امامیه، بحث از جهل و اشتباه پیوندی عمیق با مباحث تکلیف، قصد، اراده و اهلیت دارد. فقها با بهره‌گیری از قواعدی چون قاعده درأ، قاعده رفع، و نیز مباحث مرتبط با تقصیر و تفریط، تلاش کرده‌اند مرز میان رفتار قابل سرزنش و رفتار معذور را تبیین کنند. در بسیاری از متون فقهی، به جای واژه اشتباه از مفهوم «تفریط» استفاده شده است که ناظر به کوتاهی در انجام وظیفه و عدم رعایت احتیاط متعارف است (نجفی، ۱۳۸۹). این مفهوم بعدها در حقوق کیفری جدید در قالب «تقصیر» صورت‌بندی شده است. در حقوق کیفری ایران نیز، به‌ویژه پس از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، نقش اشتباه و تقصیر در جرایم غیرعمدی و حتی در برخی فروع جرایم عمده اهمیت بیشتری یافته است. قانون‌گذار در تبصره ماده ۱۴۵، با ارائه مصادیقی چون بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی، به تعریف تقصیر پرداخته است (Ardabili, 2021). با این حال، همچنان پرسش‌های نظری مهمی درباره نسبت میان اشتباه، تقصیر و مسئولیت کیفری باقی است. از سوی دیگر،

**How to cite:** Mohammadi Zaer, S., Anjomshoa, Z., Salajegheh, S., Nazari, A., Pour Rashidi, R. (2024). Epistemology of Faith and Doubt in Islamic Philosophy and Its Impact on Individual Life. *Islamic Knowledge and Insight*, 1(1), 1-11.

**شبهه استناددهی:** محمدی زائر، سارا، انجم شعاع، زهرا، سلاجقه، سنجر، نظری، اکبر، و پور رشیدی، رستم. (۱۴۰۳). معرفت‌شناسی ایمان و شک در فلسفه اسلامی و تأثیر آن بر زندگی فردی. *معرفت و بصیرت اسلامی*، ۱(۱)، ۱-۱۱.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

Submit Date:

Revise Date:

Accept Date:

Publish Date:

تاریخ ارسال:

تاریخ بازنگری:

تاریخ پذیرش:

تاریخ چاپ:

افزون بر ارزش نظری، دارای کارکرد عملی در بهبود قانون‌گذاری و رویه قضایی است.

### مبانی نظری و پیشینه تحقیق

مبانی نظری این پژوهش بر پیوند میان عنصر روانی جرم، اهلیت کیفری و مفهوم تقصیر استوار است. در نظریه‌های کلاسیک حقوق جزا، مسئولیت کیفری زمانی محقق می‌شود که رفتار مادی با قصد مجرمانه یا دست کم با تقصیر همراه باشد. در جرایم غیر عمدی، تقصیر جایگزین قصد می‌شود و معیار سرزنش‌پذیری رفتار را شکل می‌دهد (Goldouzian, 2022). این تقصیر غالباً در قالب بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی یا عدم مهارت ظهور می‌یابد. در فقه امامیه، بحث از اشتباه در بستر مفاهیم جهل، خطا، نسیان و تفریط مطرح شده است. بسیاری از فقها میان جهل قصوری و جهل تقصیری تفکیک کرده‌اند و تنها جهل ناشی از قصور را معذور دانسته‌اند (Javadi, 2015). همچنین قواعدی چون قاعده رفع و قاعده درأ نشان‌دهنده گرایش فقه به احتیاط در تحمیل مجازات در موارد شبهه است. با این حال، در باب ضمان مالی، گاه صرف اتلاف—حتی بدون قصد—موجب ضمان دانسته شده است که نشان از تفکیک میان مسئولیت کیفری و مدنی دارد (Najafi, 2010). در پیشینه تحقیق، محمدی (۱۳۷۸) به بررسی تأثیر اشتباه بر مسئولیت کیفری با تأکید بر حدود و قصاص پرداخته و اشتباه را به حکمی و موضوعی تقسیم کرده است. وی نشان می‌دهد که در فقه، جهل غیرقابل اجتناب می‌تواند مانع مسئولیت شود، هرچند قانون به صراحت بدان نپرداخته است (Mohammadi, 1999). کمیلی (۱۴۰۰) با رویکردی تحلیلی، اشتباه را در کنار عواملی چون جنون و اکراه از موارد سلب مسئولیت دانسته، اما از نظر منابع با محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده است (Komili, 2021). مزیدی شرف‌آبادی (۱۳۹۴) نیز نقش اشتباه را با تأکید بر قانون مجازات اسلامی بررسی کرده، ولی بیشتر رویکرد گردآورانه داشته است. وجه تمایز پژوهش حاضر در آن است که صرفاً به اثر اشتباه در یک حوزه خاص بسنده نکرده، بلکه در پی ارائه چارچوبی منسجم درباره مفهوم، اقسام و آثار اشتباه و تقصیر در فقه

منقح درباره لزوم یا عدم لزوم احراز تقصیر در همه جنایات غیر عمدی ارائه نشده است. این امر موجب بروز ابهام در رویه قضایی و اختلاف در تفسیر مواد قانونی شده است. افزون بر این، مشخص نیست تا چه اندازه قانون‌گذار از نظر مشهور فقهای امامیه پیروی کرده و در چه مواردی رویکردی مستقل اتخاذ نموده است. بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش، تبیین مفهوم و مصادیق تقصیر و اشتباه در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران و بررسی نقش آنها در رفع یا تخفیف مسئولیت کیفری است. به‌ویژه این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش است که آیا می‌توان قاعده‌ای کلی مبنی بر لزوم احراز تقصیر در جنایات غیر عمدی ارائه کرد و جایگاه اشتباه در این میان چیست؟

ضرورت این پژوهش از چند جهت قابل تبیین است. نخست آنکه مسئولیت کیفری با آزادی، حیثیت و حقوق بنیادین افراد مرتبط است و هرگونه توسعه یا تضییق نابجا در آن می‌تواند پیامدهای جدی فردی و اجتماعی به‌همراه داشته باشد. مجازات زمانی موجه است که بر پایه تقصیر واقعی استوار باشد و تحمیل کیفر بر فرد فاقد تقصیر، از منظر عقلایی و اخلاقی قبیح تلقی می‌شود (Katouzian, 2021). دوم آنکه شناخت دقیق مبانی و مصادیق اشتباه و نقش آن در رفع مسئولیت می‌تواند به کاهش جمعیت کیفری و جلوگیری از برچسب‌زنی مجرمانه بر افرادی که فاقد قصد و تقصیرند کمک کند. این امر با اهداف سیاست جنایی نوین و رویکردهای اصلاحی—بازپرورانه همسو است. از این منظر، تبیین علمی قلمرو اشتباه می‌تواند به تصمیم‌گیری عادلانه‌تر قضات بینجامد. سوم آنکه با وجود تحقیقات پراکنده درباره عوامل رافع مسئولیت کیفری، بررسی جامع و متمرکز نقش اشتباه از منظر فقه امامیه و حقوق کیفری ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در نتیجه، خلأ نظری در این حوزه وجود دارد که می‌تواند به برداشت‌های متفاوت و حتی متعارض در تفسیر قانون منجر شود. چهارم آنکه قانون مجازات اسلامی در مواردی به ذکر مصادیق بسنده کرده و از ارائه ضابطه کلی پرهیز نموده است. پژوهش حاضر می‌تواند با استخراج مبانی فقهی و تحلیل حقوقی، زمینه قاعده‌مند شدن مقررات را فراهم آورد. بدین ترتیب، این تحقیق

امامیه و حقوق ایران است. همچنین تلاش می‌کند نسبت میان دیدگاه مشهور فقها و مقررات قانون مجازات اسلامی را روشن سازد و زمینه دستیابی به قاعده‌ای کلی در این زمینه را فراهم آورد (Mazidi, 2015; Sharafabadi, 2015).

### روش تحقیق

این پژوهش از نوع نظری و با رویکرد توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای بوده و شامل: تحلیل منابع فقه امامیه (کتب استدلالی و فتاوا)؛ بررسی آثار حقوق جزای عمومی؛ مطالعه مقالات علمی مرتبط با عوامل رافع مسئولیت کیفری. روش تحلیل نیز کیفی و مبتنی بر استنباط مفهومی و مقایسه دیدگاه‌های فقهی و حقوقی است.

### نظر فقهای امامیه در رابطه با اشتباه

در فقه امامیه، «اشتباه» یا خطا از مفاهیم محوری در تحلیل مسئولیت کیفری و مدنی به‌شمار می‌آید و مستقیماً با عنصر روانی جرم، یعنی علم و قصد فاعل، پیوند دارد. مقصود از اشتباه آن است که شخص بدون قصد ارتکاب فعل حرام یا ممنوع، به سبب جهل یا خطا، رفتاری خلاف واقع یا خلاف حکم انجام دهد. فقهای امامیه عموماً اشتباه را به دو نوع اصلی تقسیم می‌کنند: اشتباه موضوعی (جهل به واقعیت خارجی) و اشتباه حکمی (جهل به حکم شرعی یا قانونی). این تفکیک، زیربنای تعیین آثار اشتباه بر مسئولیت است (Ardabili, 2021; Safai, 2023; S. Safai, 2022; S. H. Safai, 2022). مبنای نظری بسیاری از دیدگاه‌های فقهی در این حوزه، قاعده «الاعمال بالنیات» است که نقش نیت و آگاهی را در انتساب مسئولیت برجسته می‌کند. بر این اساس، هرگاه اشتباه به گونه‌ای باشد که علم و قصد مجرمانه را زایل کند، مسئولیت کیفری نیز متزلزل می‌شود. در اشتباه موضوعی، فرد نسبت به واقعیت عینی دچار خطاست؛ مانند اشتباه در هویت مجنی علیه یا در مالکیت مال. در این موارد، به نظر مشهور فقها، چون قصد متوجه متعلق واقعی جرم نبوده، عنصر روانی تحقق نمی‌یابد و در نتیجه حدود، قصاص و تعزیرات غالباً منتفی است. بسیاری از فقها با استناد به اصولی نظیر براءت و عدم

مؤاخذه جاهل به موضوع، اشتباه موضوعی را در بیشتر موارد رافع مسئولیت کیفری و گاه حتی رافع ضمان مالی می‌دانند، مگر آنکه قواعد خاصی مانند ضمان ید یا ملاحظات نظم عمومی دخالت کند (Movahed Abtahi, 2022; Najafi, 2010). در مقابل، در اشتباه حکمی، اصل مشهور فقهی آن است که «جهل به حکم، رافع مسئولیت نیست». مکلفان موظف به تحصیل علم نسبت به احکام‌اند و صرف ادعای بی‌اطلاعی پذیرفته نمی‌شود. با این حال، در موارد جهل غیرقابل دفع یا شرایطی که دسترسی به علم عادتاً ممکن نبوده، برخی تخفیف‌ها قابل تصور است. فقهای چون امام خمینی و شیخ مرتضی انصاری عموماً جهل حکمی را در حدود و تعزیرات غیررافع می‌دانند، هرچند در برخی ابواب مانند قصاص و دیات، با توجه به شدت عذر، امکان تأثیرگذاری آن را بررسی کرده‌اند. نکته مهم دیگر، تفکیک میان مسئولیت کیفری و مدنی است. ممکن است اشتباه، مجازات کیفری را ساقط کند، اما به دلیل قواعد ضمان، مسئولیت مالی باقی بماند. در جنایات بدنی، حتی اگر قصد جنایت منتفی باشد، به استناد احتیاط در دماء، دیه یا ارش غالباً ساقط نمی‌شود. این رویکرد نشان می‌دهد که فقه امامیه میان سرزنش کیفری و جبران خسارت، تمایز مفهومی قائل است (Najafi, 2010). همچنین «قاعده براءت» در شبهات موضوعی نقش پررنگی دارد و تا زمانی که تکلیف به‌طور یقینی بر مکلف ثابت نشده، اصل بر عدم مؤاخذه است. اما این قاعده در شبهات حکمی، جز در جهل غیرقابل دفع، جریان گسترده‌ای ندارد؛ چنان‌که فقهای مانند سید ابوالقاسم خوبی بر لزوم تلاش مکلف برای شناخت احکام تأکید کرده‌اند. در دوره معاصر، برخی فقیهان و حقوقدانان با توجه به پیچیدگی زندگی جدید و دشواری آگاهی از همه مقررات، خواستار بازنگری نسبی در اطلاق قاعده «عدم پذیرش جهل به حکم» به‌ویژه در حوزه تعزیرات شده‌اند. این دیدگاه‌ها بر نقش عوامل ساختاری، فرهنگی و اطلاع‌رسانی در شکل‌گیری جهل تأکید دارند (Sepehri, 2023). در مجموع، فقه امامیه با تفکیک دقیق انواع اشتباه، کوشیده است میان عدالت فردی و حفظ نظم اجتماعی توازن

مستقیم دارد و نشان‌دهنده انعطاف فقه شیعی در مواجهه با جنایات غیر عمد است؛ در این نظام فقهی، ارتکاب جنایت ناشی از اشتباه—اعم از اشتباه در شخص، موضوع یا وسیله—مسئولیت کیفری از منظر حدود و قصاص را رفع می‌کند، اما غالباً مسئولیت مالی (دیه یا ارش) باقی می‌ماند (Khoei, 1989; Mousavi Ardabili, 2021).

دکترین فقهی، مسئولیت اخلاقی و مجازات بدنی را در جنایات ناشی از اشتباه محدود دانسته و بر جبران مالی به بازماندگان یا متضرران تأکید دارد، که این تفاوت عمده‌ای با سیستم‌های کیفری غیر دینی محسوب می‌شود (Movahed Abtahi, 2022). فقهای معاصر با اعمال قاعده برائت در اشتباهات موضوعی، کیفر را غالباً منتفی دانسته و تنها در صورت تقصیر حرفه‌ای یا ترک احتیاط عرفی، مسئولیت مالی برقرار می‌شود (Shams, 2023a, 2023b). این دیدگاه در ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز بازتاب یافته است که در صورت فقدان تقصیر، مسئولیت کیفری منتفی و ضمان مالی برقرار است، اما در صورت تقصیر، امکان تعزیر نیز محفوظ می‌ماند (Mohseni, 2021). همچنین، در اشتباهات حرفه‌ای مانند خطای پزشکی، اصل «الخطاء ممن یوثق به، لایرفع الضمان» حاکم است و قصور اثبات‌شده موجب مسئولیت مالی می‌شود (Safai, 2023). بدین ترتیب، فقه امامیه با تلفیق قواعد اتلاف و برائت، ضمن رفع مجازات در غیاب قصد سوء، از حقوق زیان‌دیدگان حمایت کرده و با حساسیت به تقصیر حرفه‌ای، چارچوبی متعادل و نوآورانه برای مسئولیت مالی و کیفری ارائه می‌دهد.

### ۲.۱. تأثیر جهل بر مسئولیت کیفری از دیدگاه فقه

در فقه امامیه، مسئولیت کیفری مبتنی بر شرط علم و آگاهی به حکم شرعی و موضوع جرم است و جهل، اعم از جهل حکمی یا جهل موضوعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در ارکان معنوی جرم دارد (Mousavi Ardabili, 2021; Najafi, 2010). جهل موضوعی، یعنی ناآگاهی فرد نسبت به واقعیت خارجی مانند هویت شخص یا وجود مال غیر، غالباً رافع مسئولیت کیفری محسوب می‌شود، زیرا قوام سوءنیت را مخدوش می‌سازد، در حالی که جهل

برقرار کند: اشتباه موضوعی عمدتاً به نفع متهم تفسیر می‌شود، در حالی که عدم پذیرش گسترده اشتباه حکمی برای جلوگیری از هرج و مرج حقوقی توجیه می‌گردد. با این حال، تحولات اجتماعی جدید، ضرورت تفسیر منعطف‌تر و سیاست‌گذاری کیفری هوشمندانه‌تر را بیش از پیش مطرح کرده است.

### ۱. مبانی فقهی اشتباه در جنایات غیر عمد

در فقه امامیه، مبانی اشتباه در جنایات غیر عمد بر تحلیل عناصر روانی جرم و نقش خطا یا تقصیر در تحقق مسئولیت کیفری تمرکز دارد؛ جنایت غیر عمد به آسیب رساندن به نفس، اعضا یا منافع دیگران بدون قصد قبلی گفته می‌شود و معمولاً ناشی از بی‌احتیاطی یا خطا است (Sepehri, 2023). فقهای امامیه اشتباه را به دو نوع «اشتباه در هویت مجنی‌علیه» و «اشتباه در وسیله یا سبب» تقسیم می‌کنند، که هر دو می‌توانند بر میزان یا نوع مسئولیت کیفری مؤثر باشند (Najafi, 2010). بر اساس قاعده «الإتلاف موجب للضمان» و قواعد لاضرر و ضمان ید، حتی در فقدان قصد جنایت، هر ضرری که به سبب اشتباه رخ دهد، مسئولیت دیه یا ارش برای عامل آن ایجاد می‌کند، مگر در مواردی که وقوع حادثه قهری و اجتناب‌ناپذیر باشد که مسئولیت مرتکب ساقط می‌شود (Khomeini, 2000; Shahidi, 2012). اهمیت تفکیک اشتباه موضوعی (جهل به واقعیت‌های خارجی) و حکمی در جنایات غیر عمد بر زوال قصد جنایت و محدودیت مسئولیت تأکید دارد (Safai, 2023). فقهای متأخر، مانند صاحب جواهر و امام خمینی، با تفصیل میان اشتباه عادی و خطای حرفه‌ای، به ویژه در امور پزشکی و مهندسی، نقش خطای حرفه‌ای را در شمول یا رفع ضمان برجسته ساخته‌اند (Najafi, 2010). بدین ترتیب، فقه امامیه، با تحلیل دقیق اشتباه و عنصر تقصیر، چارچوبی متعادل برای تعیین مسئولیت کیفری در جنایات غیر عمد ارائه می‌دهد.

### ۱.۱. تأثیر اشتباه بر احکام شرعی

تأثیر اشتباه بر احکام شرعی در فقه امامیه، با قواعد بنیادینی همچون قاعده برائت، قاعده اتلاف و قاعده احتیاط در دماء و نفوس ارتباط

حکمی به طور معمول مسئولیت را رفع نمی‌کند و اصل «جهل به قانون عذر نیست» بر آن حاکم است مگر در شرایط اضطرار علمی یا فقدان امکان تحصیل علم (Mousavi, 2000; Khomeini, 2000; Damghani, 2020). همچنین، فقه امامیه تفاوت میان جهل ساده و جهل ناشی از ترک احتیاط را لحاظ می‌کند؛ در جهل ساده، اصل برائت ذمه جاری است و مسئولیت منتفی است، اما در جهل مقصرانه، مسئولیت مدنی و گاهی کیفری باقی می‌ماند (Safai, 2023). این رویکرد در جنایات غیر عمد مانند حوادث رانندگی یا خطاهای پزشکی اهمیت ویژه دارد و مطابق ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در صورت تقصیر فاعل، مسئولیت مالی و کیفری برقرار است و در صورت فقدان تقصیر، تنها ضمان مالی قابل اعمال است (Mohseni, 2021). فقهای معاصر و حقوق‌دانان تأکید دارند که با گسترش تکنولوژی و پیچیدگی زندگی شهری، جهل غیر مقصر فراگیرتر شده و لزوم تعدیل برخی احکام سنتی، به ویژه در جرایم غیر عمد، ضروری است (Sepehri, 2023). به این ترتیب، فقه امامیه با ترکیب تحلیل جهل و تقصیر، چارچوبی متوازن برای تعیین مسئولیت کیفری و مالی ارائه می‌دهد که هم عدالت فردی و هم حمایت از زیان‌دیدگان را تأمین می‌کند.

### ۳.۱. نظرات فقها درباره جهل حکمی و موضوعی

فقهای امامیه با تفکیک دقیق میان «جهل موضوعی» و «جهل حکمی» چارچوبی منسجم برای سنجش مسئولیت کیفری و مدنی ارائه کرده‌اند؛ به گونه‌ای که در جهل موضوعی—یعنی ناآگاهی از واقعیت خارجی متعلق جرم—به دلیل زوال علم و سوءنیت، عنصر عمد مخدوش می‌شود و در نتیجه حدود و قصاص منتفی و غالباً فقط دیه یا ارش ثابت است؛ نمونه کلاسیک آن، اصابت به انسان به گمان حیوان در تاریکی است که به تصریح مشهور، قصاص را ساقط می‌کند (Khoei, 1989; Najafi, 2010). این رویکرد بر اصولی چون «قیح عقاب بلا بیان» و «قاعده برائت» استوار است که مؤاخذه را منوط به بیان و علم می‌دانند (Ansari, 2012). در قلمرو مدنی نیز اگرچه جهل موضوعی می‌تواند رافع سرزنش کیفری باشد، اما در

صورت بی‌احتیاطی، ضمان مالی برقرار می‌ماند و فقط در جهل قهری غیر قابل دفع امکان سقوط ضمان تصور می‌شود (Mousavi, 2021; Ardabili, 2021). در مقابل، در جهل حکمی—یعنی ناآگاهی از حکم شرعی یا قانونی—اصل غالب آن است که «جهل به حکم عذر نیست» تا از اخلال به نظم عمومی و سوءاستفاده جلوگیری شود؛ با این حال، در فرض عذر واقعی و عدم امکان متعارف تحصیل علم، برخی فقها اثر معاف‌کننده را می‌پذیرند (Khomeini, 2000; Mousavi Damghani, 2020). فلسفه این تمایز آن است که جهل موضوعی مستقیماً عنصر روانی را زایل می‌کند، اما جهل حکمی غالباً با تقصیر در تحصیل علم ملازم فرض می‌شود. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز این تفکیک را در مواد ۱۴، ۱۵ و ۲۹۵ بازتاب داده و عدم مسئولیت کیفری جاهل به موضوع غیر مقصر را پذیرفته، در حالی که مسئولیت مالی را تابع قواعد ضمان دانسته است (Mohseni, 2021). با گسترش قوانین و پیچیدگی‌های زندگی جدید، ادبیات معاصر بر تعریف دقیق «جهل قابل دفع» و بازاندیشی در معیارهای قصور تأکید دارد تا میان عدالت فردی و کارآمدی نظام کیفری توازن برقرار شود (Safai, 2023; Shams, 2023a).

### ۴.۱. استثنائات جهل که ممکن است رافع مسئولیت باشد

در فقه امامیه، اصل بر این است که جهل به حکم شرعی و قانونی عذر محسوب نمی‌شود و مسئولیت کیفری را رفع نمی‌کند، اما در موارد استثنایی، جهل غیر مقصرانه و غیر قابل دفع می‌تواند رافع مسئولیت یا تخفیف‌دهنده آثار آن باشد؛ این استثنائات عمدتاً شامل جهل موضوعی و جهل حکمی تحت شرایط محدود و ویژه است (Khomeini, 2000; Mousavi Ardabili, 2021). موضوعی، مانند اشتباه در هویت مجنی علیه، نوع شیء یا وصف مال، سوءنیت را منتفی کرده و مسئولیت کیفری را از بین می‌برد، در حالی که ضمان مالی همچنان برقرار است (Najafi, 2010; Safai, 2023). در جهل حکمی، اگر راه‌های متعارف تحصیل علم مسدود باشد یا فرد به دلایل مشروع قادر به رفع جهل نباشد، جهل وی عذر موجه تلقی می‌شود؛ این امر شامل جوامع دورافتاده و امور فنی یا

است و در اشتباه موضوعی یا فقدان آگاهی، مسئولیت کیفری نفی می‌شود (Najafi, 2010). روایت نبوی «رفع عن امتی الخطا و النسیان و ما استکرها علیها» و قاعده اتلاف نیز در حمایت از جاهل غیرمقصر یا محدود کردن مسئولیت به حوزه ضمان مالی کاربرد دارند (Khoei, 1989; Mohseni, 2021). جمع‌بندی نشان می‌دهد که ادله فقهی سنتی، با تکیه بر عدالت فردی و عقلانیت، نظام مبتنی برای پذیرش جهل غیرقابل دفع و تفکیک اشتباه موضوعی و حکمی فراهم کرده‌اند، اما در حقوق معاصر، بازتعریف این اصول به منظور تطبیق با پیچیدگی قوانین و فناوری اطلاعات ضروری است و توسعه استثنائات جهل، ضمن الهام از فقه، رویکردی پویا در سیاست جنایی ایران ایجاد می‌کند.

#### ۶.۱. استناد به آیات و روایات مرتبط با جهل و خطا

در قرآن کریم، مفاهیم جهل و خطا از جمله حوزه‌هایی است که ارتباط وثیقی با اصل مسئولیت کیفری و مبانی حقوق جزا دارند. در بسیاری از آیات، قاعده رفع مسئولیت در صورت فقدان علم یا وقوع خطا و اشتباه به صراحت یا تلویح مورد اشاره قرار گرفته است. برجسته‌ترین این آیات، آیه «لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَ لَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ» (بقره، ۲۲۵) است که خداوند اعلام می‌دارد کسی را به سبب خطای لفظی یا سوگند سهوی مؤاخذه نمی‌کند، بلکه بر قصد و تعمّد مؤاخذه خواهد شد (Jafari, 2021; Mousavi Ardabili, 2021; Langroudi, 2018). این آیه و مشابه آن (مانند آیه ۲۸۲ نساء: «وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ، وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ» (احزاب، ۵)). این مضمون قرآنی یکی از ارکان نظریه حقوقی برای تفکیک موارد خطا و جهل از موارد سوءنیت است. بدین معنا که تنها رفتارهایی که مبتنی بر علم و سوءنیت باشند موضوع بازخواست الهی و مسئولیت کیفری قرار می‌گیرند (Mousavi Damghani, 2020). قاعده قرآنی «رفع

پزشکی پیچیده است که خطا بدون تقصیر رخ دهد (Ansari, 2012; Shams, 2023a, 2023b). قوانین ایران نیز با تبعیت از این استثنائات فقهی، در مواد ۱۴، ۱۵، ۲۹۵ و ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، جهل غیرمقصرانه در جنایات غیرعمد را رافع مسئولیت کیفری دانسته‌اند و بر ضرورت تفکیک اشتباه ناشی از ترک احتیاط تأکید دارند (Mohseni, 2021). با این حال، انتقاد اصلی به رویکرد سنتی فقهی محدود بودن دامنه این استثنائات و دشواری اثبات آن‌هاست؛ حقوق معاصر با توجه به پیچیدگی قوانین و افزایش فناوری، بر تفسیر موسع‌تر استثنائات جهل و حمایت واقعی از افراد جاهل تأکید دارد و نقش دولت و رسانه‌ها در آموزش حقوقی را به عنوان عاملی تعیین‌کننده در تحقق عدالت کیفری برجسته می‌سازد (Sepehri, 2023). این چارچوب تلفیقی، عدالت فردی و اجتماعی را در مواجهه با اشتباهات غیرعمد و جهل، با حفظ اصول فقهی امامیه، برقرار می‌کند.

#### ۵.۱. تحلیل ادله فقهی مرتبط با اشتباه

ادله فقهی مرتبط با اشتباه و جهل در مسئولیت کیفری در فقه امامیه مبتنی بر اصول عقلانی و نقلی متنوعی است که تأکید بر ضرورت وجود علم و سوءنیت برای تحقق مسئولیت کیفری دارند. مهم‌ترین این ادله شامل قاعده برائت، قاعده «قبح عقاب بلا بیان»، اصل عدم تعزیر بدون سوءنیت و قاعده «عدم ضمان در فقدان تقصیر» می‌باشد. قاعده برائت، که بیان می‌کند «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم الا ما خرج بالدلیل»، بنیاد تفکیک اشتباه موضوعی و حکمی است و در جهل موضوعی، با مخدوش شدن عنصر روانی، مسئولیت کیفری منتفی و مسئولیت صرفاً مالی برقرار می‌شود (Ansari, 2012; Mousavi Ardabili, 2021). قاعده «قبح عقاب بلا بیان» نیز بر عدالت مجازات تأکید دارد و بیان می‌کند که بدون وجود قانون یا بیان صریح، مجازات فرد جاهل غیرعادلانه است و مبنای پذیرش جهل موضوعی و گاهی جهل حکمی است (Khomeini, 2000; Mousavi Damghani, 2020). عقل و اجماع فقهی نیز مقرر می‌دارند که بدون سوءنیت، تعزیر و مجازات فاقد فلسفه

ویژه‌ای در قوانین معاصر از جمله مواد ۱۴ و ۱۵ قانون مجازات اسلامی دارد (Mohseni, 2021). نکته مهم دیگر، جامعیت و حمایت این آموزه‌ها از عدالت و کرامت انسانی است؛ به گونه‌ای که حقوقدانان معاصر نیز اصل قبح عقاب بلا بیان، رفع مسئولیت ناشی از جهل غیر مقصر یا خطای غیر عمدی را مصداق عدالت کیفری می‌دانند و بر مبنای شریعت اسلام، حقوق کیفری ایران نیز به همین سو تمایل یافته است (Mousavi Damghani, 2020; Shams, 2023b). البته، با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی و تکثر قوانین، ضرورت بازتعریف “جهل غیر مقصرانه” و تبیین مصادیق خطا و ناآگاهی، برای حمایت هرچه بیشتر از عدالت و رفع مسئولیت ناروا از افراد مورد تأکید صاحب‌نظران امروز است. آنچه آشکار است این است که آموزه‌های قرآن کریم و روایات معصومین (ع) بنیادهای عمیق و عقلانی برای تفکیک مسئولیت مبتنی بر سوءنیت و علم واقعی از مسئولیت ناشی از جهل و خطا پیش رو نهاده‌اند و قاعده رفع به‌عنوان مهم‌ترین اصل در نفی مسئولیت جاهل و خطاکار در موارد غیر مقصرانه، الهام‌بخش بسیاری از قواعد فقهی و مواد قانونی بوده است. تحلیل انتقادی فقیهان متأخر و نویسندگان جدید نیز تأییدی بر سازگاری و همبستگی این آموزه‌ها با عدالت کیفری و حقوق بشر معاصر است.

## ۲. بررسی تطبیقی نظرات فقها

مسأله تأثیر اشتباه (اعم از اشتباه موضوعی و حکمی) بر مسئولیت کیفری یکی از موضوعات بنیادین در فقه جزایی و حقوق کیفری معاصر است که مستقیماً با اصول تفکیک قصد و سوءنیت، ماهیت جرایم و ضوابط تعیین مسئولیت فرد در ارتباط بوده و موضوع بحث عمیق فقهای امامیه، اهل سنت و تأملات نظام‌های حقوقی مدرن قرار دارد (Mousavi Damghani, 2020; S. Safai, 2022). فقها در این حوزه با توجه به قواعدی همچون اصل برائت، قاعده رفع، قاعده اتلاف، قبح عقاب بلا بیان و نیز با لحاظ تفاوت‌های مبنایی در باب خطا، جهل، قصور و تقصیر، نظریات متنوع و گاه متعارضی ارائه داده‌اند. مرور این دیدگاه‌ها زمینه تحلیل انتقادی و بازشناسی وجوه

و اصل جهل؛ آیه یازدهم سوره توبه به وضوح بیان می‌کند: «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا»؛ خداوند عقاب را بدون بیان و اقامه حجت جایز ندانسته است. این اصل پایه بسیاری از قواعد فقهی شده است؛ از جمله قاعده “قبح عقاب بلا بیان” که در فقه اسلامی بسیار مورد استناد قرار گرفته و تأکید بر عدم مسئولیت فرد به خاطر ارتکاب فعل در شرایط جهل دارد (Ansari, 2012). استناد روایی: روایات نبوی و معصومین (ع) درباره جهل و خطا: دلیل روایی مهم در این زمینه، قاعده رفع است که مستند روایات فراوانی قرار گرفته است. از جمله مشهورترین این احادیث، روایت نبوی است: «رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَةٌ: الْخَطَأُ وَالنِّسْيَانُ وَمَا اسْتَكْرَهُوا عَلَيْهِ، وَمَا لَا يَعْلَمُونَ، وَمَا لَا يَطِيقُونَ»؛ که مقرر می‌دارد: «نه چیز از امت من برداشته شده: خطا، فراموشی، اکراه، جهل به حکم و...» (Ibn Babawayh, 1997; Mousavi Ardabili, 2021). این حدیث که در متون روایی شیعه و سنی انعکاس وسیعی دارد، مبنای قاعده فقهی رفع و مبنای مهمی برای عدم مؤاخذه افراد جاهل، مکره، یا خطاکار قرار گرفته است (Motahhari, 2019). فقیهان همچون صاحب جواهر و شیخ انصاری با استناد به این روایت، معتقدند که مسئولیت کیفری تنها در شرایط احراز سوءنیت و توانایی بر ترک فعل مجرمانه یا کسب آگاهی لازم، تحقق می‌یابد (Najafi, 2010). همچنین روایت دیگری از امام صادق (ع) آمده است: «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی»؛ همه چیز مباح است، مگر این که نهی رسد یا علم منع باشد (Kulayni, 1996). این حدیث از مهم‌ترین استنادات اصل اباحه و اصل آزادی بوده و در مباحث جهل و اشتباه نیز حائز اهمیت است زیرا در فقدان علم به ممنوعیت، اصل اباحه جاری است. آیات و روایات فوق مبنای اساسی نظریه “اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی”، اصل “قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها” و اصل “عدم مجازات بدون علم یا سوءنیت” را در فقه اسلامی فراهم ساخته‌اند که امروزه در حقوق کیفری نوین جهانی نیز پذیرفته شده‌اند (Safai, 2023). این آموزه قرآنی، اساس اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل ضرورت سوءنیت در بسیاری از جرائم را تشکیل می‌دهد و جایگاه

مشترک و نقاط افتراق بین آنها را فراهم می‌کند و نقشی کلیدی در تبیین جایگاه اشتباه در حقوق کیفری کنونی ایران دارد.

## ۱.۲. مقایسه نظرات مختلف فقها درباره تأثیر اشتباه

در مقایسه دیدگاه‌های فقهی درباره تأثیر اشتباه بر مسئولیت کیفری، می‌توان گفت محور مشترک اغلب نظریات، پیوند مسئولیت با تحقق سوءنیت و علم است، اما در دامنه عذرپذیری اختلافاتی دیده می‌شود. در فقه امامیه، دیدگاه مشهور—که توسط فقهای چون محمدحسن نجفی و شیخ مرتضی انصاری نمایندگی می‌شود—با استناد به روایات رفع، اشتباه موضوعی را غالباً رافع مسئولیت کیفری می‌داند؛ زیرا با زوال علم به موضوع، قصد مجرمانه شکل نمی‌گیرد، هرچند در صورت اتلاف نفس یا مال، ضمان مالی باقی است (Ansari, 2010; Mousavi Ardabili, 2021; Najafi, 2010). در مقابل، جهل حکمی اصولاً عذر محسوب نمی‌شود، مگر در فرض جهل غیرمقصرانه یا تعذر دسترسی به علم (Mohseni, 2021; Shams, 2023a). برخی فقهای متأخر با توجه به پیچیدگی‌های دنیای جدید، رویکردی منعطف‌تر اتخاذ کرده و با تکیه بر قاعده قبح عقاب بلا بیان و اصل عدالت، توسعه موارد عذر را پیشنهاد می‌کنند؛ از جمله موسوی دامغانی که بر دشواری احاطه عموم مردم بر همه احکام و ضرورت تفسیر موسع‌تر اصل برائت تأکید دارد (Mousavi Damghani, 2020; Safai, 2023). در فقه اهل سنت نیز الگوی غالب مشابه است: جهل موضوعی رافع عمد است، اما جهل حکمی عذر نیست مگر در شرایط استثنایی؛ دیدگاهی که در آثار یوسف قرضاوی و وهبه زحیلی دیده می‌شود و با دغدغه حفظ نظم عمومی توجیه می‌گردد (Al-Zuhayli, 1997; Qaradawi, 2006). حقوق ایران نیز متأثر از فقه امامیه، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ میان جهل موضوعی و حکمی تفکیک کرده و اولی را در صورت نبود تقصیر، رافع مسئولیت کیفری می‌داند (Mohseni, 2021). در سطح تطبیقی، دکترین کیفری غرب با شعار «مسئولیت بدون تقصیر نیست» بر لزوم سوءنیت و قابلیت پیش‌بینی تأکید دارد و گرچه اصل «جهل به قانون عذر نیست» را

می‌پذیرد، استثنائات آن رو به گسترش است؛ چنان‌که در آثار George Fletcher منعکس شده است (Bornstein & Greene, 2022; Fletcher, 2000). برآیند این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد گرایش معاصر به سوی پذیرش جهل غیرمقصرانه برای تقویت عدالت کیفری در حال افزایش است.

## ۱.۱.۲. نظرات مشهور فقها (شیخ طوسی، علامه حلی، سید مرتضی)

شیخ طوسی، علامه حلی و سید مرتضی به‌عنوان فقهای برجسته امامیه، تحلیل دقیق و تفصیلی درباره آثار اشتباه و جهل در مسئولیت کیفری ارائه کرده‌اند. شیخ طوسی در «النهایه» و «الخلافا» تأکید می‌کند که اشتباه موضوعی، نظیر خطا در هویت مجنی علیه یا ماهیت فعل، مسئولیت کیفری از جهت عمد، حدود و قصاص را رفع می‌کند، اما مسئولیت مالی مانند دیه و ارش باقی است؛ جهل حکمی، مگر در صورت عسر تحصیل علم، عذر محسوب نمی‌شود و مسئولیت کیفری را ساقط نمی‌کند (Allamah Hilli, 1993; Tusi, 1987b, 1987a). علامه حلی در «تذکره الفقهاء» و «قواعد الاحکام» بر تمایز میان جهل موضوعی و حکمی تأکید دارد و جهل موضوعی ناشی از خطا یا غیرعمد، مسئولیت عمدی و قصاص را منتفی می‌سازد و تنها مسئولیت مالی باقی می‌ماند، در حالی که جهل حکمی جز در موارد غیرمقصرانه مثل تعذر تحصیل علم، عذر نخواهد بود؛ او همچنین قاعده «قبح عقاب بلا بیان» را مورد تحلیل قرار داده و علم عرفی را برای استناد به قانون کافی می‌داند (Allamah Hilli, 1993; Mohseni, 2021). سید مرتضی در «الانتصار» و «جمل العلم والعمل» با تأکید بر «اصل برائت» و «قاعده رفع»، جهل موضوعی را در جرایم عمدی رافع مسئولیت کیفری می‌داند زیرا عنصر قصد و سوءنیت محقق نشده است، اما جهل حکمی تنها در فرض عدم امکان واقعی تحصیل علم (جهل غیرقابل دفع) موجب رفع تعزیر یا حد می‌شود؛ وی تفاوت ظریف میان جهل، خطا و قصور را لحاظ کرده و مسئولیت را با قابلیت پیش‌بینی و اجتناب از اشتباه مرتبط می‌سازد، که این دیدگاه با نظریات مدرن

حقوق کیفری و «عقل معقول» همسو است (Mortazavi, 1994; Safai, 2023).

### ۲.۱.۲. نظرات فقهای معاصر و تفاوت‌ها با گذشته

فقهای معاصر با توجه به تحولات اجتماعی، پیچیدگی قوانین و رشد دانش حقوق جزا، مباحث جهل و اشتباه را با رویکردی انتقادی تر و جامع تر بررسی نموده‌اند. یکی از نقاط عطف، پذیرش نقش قواعد عرفی، علم عرفی و عدالت اجتماعی در تحلیل آثار جهل و خطا است. متفکرینی چون موسوی دامغانی و صفایی بر این باورند که معیارهای سنتی کفایت نمی‌کند و باید جهل غیرمقصرانه به عنوان مبنایی نوین برای رفع مسئولیت کیفری در نظر گرفته شود (Mousavi Damghani, 2020; Safai, 2023). به باور این دسته از فقها، در شرایط کنونی گسترش حجم احکام و ضوابط قانونی، نمی‌توان انتظار داشت همه شهروندان به صورت کامل به احکام جزایی آگاه باشند. بنابراین اگر شخص جاهل، تقصیری در جهل خود نداشته باشد (یعنی عدم تقصیر در قصور)، نباید مسئولیت کیفری بر او بار شود؛ حتی برخی معتقدند تعمیم جهل غیرمقصرانه به جرایم شدید نیز لازمه عدالت است (Mousavi Ardabili, 2021). همچنین در آثار جدیدتر صراحتاً از «تقصیر در جهل» به عنوان عنصر مستقل آثار کیفری یاد می‌شود و تأکید می‌شود همان گونه که اراده و سوءنیت ارکان معنوی جرم‌اند، علم به حکم یا موضوع نیز باید رکن مسئولیت باشد (Safai, 2023; Shams, 2023a). این رویکرد در مواد ۱۴، ۱۵ و ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تأیید شده و حتی در برخی آراء دیوان عالی کشور، به ویژه در دعاوی پزشکی و جرایم مرتبط با فناوری، اتخاذ گردیده است (Mohseni, 2021). از نگاه انتقادی، بخشی از فقهای معاصر با نگاهی عملگرایانه خواستار تفسیر موسع تر از قاعده براءت و قاعده رفع جهت ارتقای نظام عدالت کیفری شده، و خواهان اعمال رویه‌های ایجابی جدیدی همچون آموزش همگانی و الزامی بودن اطلاع‌رسانی قانونی توسط نهادهای حاکمیت هستند تا ادعای جهل غیرمقصرانه به شکلی عادلانه و واقع‌گرایانه مورد رسیدگی قرار گیرد

(Mousavi Damghani, 2020). جمع‌بندی مبانی فقهی کلاسیک و دیدگاه‌های معاصر حاکی از آن است که فقه امامیه، با الهام از قواعد عقلانی - نظیر اصل براءت، قاعده رفع، و قاعده قبح عقاب بلا بیان - مسئولیت کیفری را مبتنی بر عنصر علم واقعی و سوءنیت می‌داند و در اشتباه موضوعی عمدتاً مسئولیت کیفری را ساقط می‌داند اما مسئولیت مدنی و مالی را، در صورت تقصیر، باقی می‌داند. در اشتباه حکمی، گرچه رویکرد سنتی اصرار بر عدم پذیرش جهل دارد، اما فقهای معاصر با توجه به مقتضیات نظام حقوقی جدید و اصل عدالت، پیشنهاد توسعه موارد پذیرش جهل غیرمقصرانه را مطرح کرده‌اند. این تطور، ضمن حفظ نظم عمومی، نشانگر تطبیق فقه با الزامات عدالت کیفری بشرمحور است.

### ۲.۲. تحلیل تطبیقی با قوانین موضوعه ایران

#### ۱.۲.۲. مقایسه قوانین مجازات اسلامی با نظرات فقها

قوانین مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران به‌طور اساسی بر بنیان‌های فقه امامیه و اندیشه فقهای برجسته این مکتب استوار است، اما تحولات حقوق کیفری معاصر، نیاز به تطبیق و توسعه دیدگاه‌ها را بر قانونگذار تحمیل کرده است. آنچه در فقه کلاسیک امامیه، به‌ویژه نزد شیخ طوسی، علامه حلی و سید مرتضی به عنوان مبانی سقوط یا تثبیت مسئولیت کیفری در فرض جهل و اشتباه مطرح بود، عمدتاً مبتنی بر دو قاعده «اصل براءت» و «قاعده رفع» و همچنین معیار سوءنیت و فقدان تقصیر بود (Allamah Hilli, 1993; Mortazavi, 1994; Tusi, 1987a, 1987b). این مبانی در قانون مجازات اسلامی به‌ویژه پس از تصویب قانون جدید ۱۳۹۲ مورد توجه قرار گرفته است اما با اصلاحات و ملاحظات نوین. مطابق ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، شرط لازم برای تحقق مسئولیت کیفری، احراز سوءنیت و علم متهم به ماهیت غیرقانونی عمل خویش است؛ این موضوع کاملاً با اصول سنتی فقه امامیه همخوانی دارد که بر وجود قصد یا علم به موضوع به عنوان عنصر معنوی جرم تأکید می‌کند (Mohseni, 2021). ماده ۱۵ همان قانون نیز اصل را بر عدم قبول جهل به حکم و عذرناپذیری جهل قرار

داده است؛ مگر در موارد استثنایی که جهل غیرمقصرانه بوده یا شرایط تحصیل علم فراهم نباشد، که بازتابی از فقه تطبیقی متأخر و نظریات امثال علامه حلی است. همچنین مطابق ماده ۲۹۵ قانون مذکور، در باب جنایت، اشتباه موضوعی که منجر به انتفاء عمد شود، دلالت بر فرض خطا دارد و در چنین شرایطی دیه (و نه قصاص) بار می‌شود (Jafari Langroudi, 2018). برخلاف برخی نظام‌های حقوقی که اشتباه حکمی را نیز مطلقاً رفع مسئولیت می‌دانند، در فقه امامیه و مقررات فعلی ایران، تنها جهل غیرمقصرانه یا قابل اثبات، از آمر معافیت ایجاد می‌کند. این امر تفاوت جدی با نظریات جزایی تطبیقی دارد؛ برای نمونه ماده ۱۷ قانون مجازات فرانسه صراحتاً جهل به قانون را عذر نمی‌شناسد مگر استثنائات خاص (Kerchove, 2017). اما قانونگذار ایرانی، با تکیه بر امکانات فقهی و توجه به استثنائات، در محیط قضایی امکان احراز عذر برای جهل موضوعی را فراهم ساخته است (Mousavi Ardabili, 2021). در مجموع، ساختار قانون مجازات اسلامی ضمن احترام به مبانی فقهی امامیه، با افزودن عناصر عدالت کیفری معاصر و الزامات اجتماعی، دایره عذرپذیری جهل و اشتباه را نسبت به متون فقهی، توسعه نسبی داده است (Safai, 2023).

### ۲.۲.۲. تأثیر نظرات فقها بر رویه قضایی

تأثیرگذاری نظریه‌های فقهاء امامیه خصوصاً در ارتباط با آثار جهل و اشتباه بر رویه قضایی کشور امری غیرقابل انکار است. دیوان عالی کشور و محاکم کیفری، در تعامل با قوانین موضوعه، اغلب به شرح و تبیین مبسوط آرای فقهی می‌پردازند و جهت تقویت استدلال‌های خود، به منابع اصیل فقهی استناد می‌کنند. گزارش جست‌وجوی آراء قضایی و رویه دادگاه‌ها نشان می‌دهد که قاعده رفع، اصل برائت، و نظریه جهل غیرمقصرانه به شکلی مستقیم در تحلیل مسئولیت کیفری در دعاوی مختلف، خصوصاً در جرایم غیرعمد و حوزه‌های پزشکی، مورد استناد قرار می‌گیرد (Mousavi Ardabili, 2021; Shams, 2023a). در بسیاری از آراء، دادگاه‌ها با توجه به مبانی فقهی حقوقدانان، میان جهل موضوعی و حکمی تفکیک قائل

می‌شوند؛ مثلاً در یک رای وحدت رویه، دیوان عالی کشور اشتباه پزشکی غیرعمد، در صورت فقدان هرگونه تقصیر و نبود امکان آگاهی، دیه را جایگزین مجازات کیفری دانسته است. همچنین در رویه کنونی، نظریات فقهایی که عذر جهل را در فرض قصور قانع کننده می‌دانند (مانند موسوی اردبیلی و صفایی)، بر تفسیر موسع‌تر از مفاهیم عدالت کیفری و توجه به انصاف، تأثیرگذار بوده است (Mousavi Ardabili, 2021; S. Safai, 2022). از سوی دیگر، آراء قضایی جدیدتر با تأکید بر ضرورت اطلاع‌رسانی گسترده و آموزش حقوقی شهروندان از سوی حاکمیت، مسئولیت اخلاقی و حقوقی دولت در برابر جهل غیرمقصرانه مردم را گوشزد می‌کنند؛ این امر خود متأثر از تفاسیر انتقادی فقهای معاصر و مصادیق بارز همگرایی فقه امامیه با الزامات حقوق کیفری بشرمحور است (Mousavi Damghani, 2020). مطالعات تطبیقی بین فقه امامیه و قوانین موضوعه ایران نشان می‌دهد که قانونگذار جمهوری اسلامی ایران با اقتباس هوشمندانه از مبانی اصیل فقهی، به‌ویژه در آثار شیخ طوسی، علامه حلی و سید مرتضی، اصول اساسی مسئولیت کیفری، سوءنیت، و معیارهای جهل موضوعی و حکمی را وارد ساختار قانونی کرده و با تطبیق بر مداخلات و الزامات نوین حقوقی، محدوده عذرپذیری اشتباه و جهل را توسعه داده است. همزمان، رویه قضایی نیز با وفاداری به تحلیل‌های فقهی و انعطاف در مواجهه با شرایط خاص اجتماعی، به سمت کاربست عادلانه‌تر این قواعد گام برداشته است؛ به نحوی که عدالت کیفری و انصاف، همسو با سنت فقهی اما در قالب نوین، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

### ۳. مصداق‌های عملی اشتباه در جنایات غیر عمد

در حقوق جزا، اشتباه (خطا) به‌ویژه در جنایات غیرعمد، نقش تعیین‌کننده در تشخیص نوع و میزان مسئولیت کیفری دارد. حوزه جنایات غیرعمد از لحاظ مصداق، متنوع است و یکی از مهمترین جلوه‌های عملی آن، اشتباه در شناسایی هویت مجنی‌علیه است. این اشتباه می‌تواند در قالب تشابه چهره، شباهت پوشش، یا حتی شباهت در رفتار و موقعیت رخ دهد. در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه، با

می‌گذارد (Dressler, 2022). بنابراین، اشتباه در شناسایی هویت مجنی‌علیه یکی از مهم‌ترین مصادیق خطا در جنایات غیر عمد است که در فقه و قوانین ایران، با رعایت اصول برائت و عدالت کیفری، مسئولیت مالی را محدود و مجازات عمدی را رفع می‌کند.

### ۲.۳. اشتباه در هدفگیری و نتیجه

اشتباه در هدفگیری و انحراف نتیجه به معنای فاصله گرفتن نتیجه زیان‌بار از آنچه مرتکب مد نظر داشته، از مفاهیم پیچیده و چالش‌برانگیز در مباحث مسئولیت کیفری است. مطابق آموزه‌های حقوق کیفری ایران و فقه امامیه، اشتباه در هدفگیری به وضعیتی اطلاق می‌شود که مرتکب با اراده و قصد ضرر رساندن به شخص یا مالی معین، به علت اشتباه اجرایی، خطای محاسباتی، یا دخالت عوامل خارجی پیش‌بینی‌ناپذیر، موجب ورود آسیب به شخص یا مالی غیر از مورد نظر گردد (Mohseni, 2021; Safai, 2023). این اشتباه از حیث فقهی، ذیل «خطا در فعل» یا «خطا در سبب» به‌ویژه وقتی اختیار و اراده مرتکب معطوف به فرد یا موضوع معین بوده و نتیجه در غیر آن محقق می‌شود، دسته‌بندی می‌گردد و پیامدهای مهمی بر جای می‌گذارد (Allamah Hilli, 1993). در حقوق ایران، مطابق ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ورود صدمه یا قتل بر اثر اشتباه در موضوع یا به دلیل خطای در هدفگیری، از مصادیق جنایت خطای محض تلقی می‌گردد که نتیجه آن سقوط قصاص و ثبوت دیه است. این موضوع نشان‌دهنده اراده مقنن بر تمایز قاطع بین جرم عمدی و خطای محض است و جلوی توسعه قصاص را تنها بر مبنای نتیجه بدون احراز قصد نسبت به مجنی‌علیه واقعی می‌گیرد (Mohseni, 2021). از منظر تطبیقی نیز، رویه غالب در حقوق فرانسه و آمریکا چنین است که اگر قصد سوء نسبت به قربانی واقعی احراز نگردد، مجازات عمدی قابل اعمال نبوده و صرفاً مسئولیت غیرعمدی یا مدنی باقی می‌ماند (Dressler, 2022).

### ۱.۲.۳. تحلیل مواردی که هدف به خطا رفته

نمونه‌های کلاسیک این نوع اشتباه، مواردی است که شخص یا مال معینی هدف فعل مجرمانه قرار می‌گیرد اما نتیجه زیان‌بار به شخص یا

دقت به این مصادیق پرداخته شده و مصادیق خطا در هویت مجنی‌علیه، بخش مهمی از مباحث اشتباه در جرایم غیر عمد را تشکیل می‌دهد (Mohseni, 2021; Mousavi Damghani, 2020).

### ۱.۳. اشتباه در شناسایی هویت مجنی‌علیه

اشتباه در شناسایی هویت مجنی‌علیه، که در فقه امامیه به «خطأ در هویة المجنی‌علیه» مشهور است، به وضعیتی اطلاق می‌شود که جانی هنگام ارتکاب عمل زیان‌بار، فردی غیر از هدف اصلی را مورد آسیب قرار می‌دهد و عمدتاً منجر به جنایت غیرعمدی می‌شود، زیرا عنصر معنوی جرم و سوءنیت نسبت به مجنی‌علیه واقعی محقق نشده است (Safai, 2023). این پدیده در قانون مجازات اسلامی ایران نیز به عنوان جنایت شبه‌عمد در صورتی که سوءنیت مستقیم نسبت به قربانی واقعی وجود نداشته باشد، قابل پیگرد است و مسئولیت کیفری عمدی منتفی و مسئولیت مالی از قبیل دیه یا ارش برقرار می‌گردد (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ماده ۲۹۵) (Mohseni, 2021). مصادیق این اشتباه شامل مواردی چون شلیک به انسانی به جای شکار حیوان، ضرب یا قتل فردی به تصور دشمن بودن، یا اعمال خشونت توسط افسران انتظامی نسبت به شخص بی‌گناه است که به خطای غیرعمدی منجر می‌شود (Mohseni, 2021; Mortazavi, 2023b; Shams, 1994). فقهای امامیه، از جمله شیخ طوسی و علامه حلی، توافق دارند که در این گونه اشتباه‌ها عنصر عمد ناقص بوده و مسئولیت کیفری قصاص منتفی است و تنها دیه یا ارش واجب می‌شود (Allamah Hilli, 1993; Tusi, 1987a, 1987b). رویه قضایی ایران نیز با استناد به مواد ۲۹۱ تا ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی، در صورت احراز فقدان سوءنیت، قصاص را ساقط و مسئولیت مالی را تأیید می‌کند، هرچند در صورت تقصیر مضاعف یا بی‌احتیاطی فاحش، امکان اعمال تعزیر وجود دارد (Shams, 2023b) (۳۶۹؛ ماده ۴۹۲ ق.م.ا). مقایسه تطبیقی با حقوق فرانسه و آمریکا نیز نشان می‌دهد که فقدان سوءنیت و اشتباه قابل قبول، مجازات عمدی را منتفی کرده و مسئولیت مدنی یا غیرعمدی باقی

می‌شود. در خطای محض، عنصر سوءنیت نسبت به مجنی علیه واقعی محقق نشده و صرفاً قصد نسبت به شخص یا مال دیگر وجود داشته است؛ بنابراین، قصاص منتفی و مسئولیت مالی، از جمله دیه، برقرار می‌شود (Mousavi Ardabili, 2021; Mohseni, 2021). ماده ۲۹۱ ق.م.ا. ۱۳۹۲). در حالی که در شبه‌عمد، نتیجه انحراف یافته ناشی از بی‌احتیاطی فاحش یا عدم رعایت اصول ایمنی است؛ در این حالت، با وجود فقدان قصد نسبت به مجنی علیه واقعی، جنایت ناشی از تقصیر تلقی شده و علاوه بر دیه، امکان مجازات تعزیری نیز وجود دارد (Safai, 2023)؛ ماده ۲۴۰؛ ماده ۲۹۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲). فقهای امامیه، نظیر شیخ طوسی و علامه حلی، تصریح دارند که قصاص تنها در صورتی قابل اعمال است که سوءنیت نسبت به قربانی واقعی ثابت شود و در غیر این صورت، مسئولیت کیفری عمدی منتفی و مسئولیت مالی برقرار است (Allamah Hilli, 1993; Tusi, 1987a, 1987b). تطبیق با حقوق فرانسه و آمریکا نشان می‌دهد که تحقق جرم عمدی نظیر «murder» مستلزم قصد مستقیم نسبت به قربانی واقعی است و اشتباه در هدفگیری موجب مسئولیت ناشی از تقصیر یا «manslaughter» می‌شود (Dressler, 2022). بنابراین، بررسی اشتباه در هدفگیری و انحراف نتیجه نشان می‌دهد که نظام کیفری ایران و فقه امامیه، با تأکید بر اصل عدالت کیفری، تناسب مجازات و اراده فردی، اینگونه اعمال را در قلمرو جنایات غیرعمدی طبقه‌بندی کرده و در صورت احراز اهمال یا بی‌احتیاطی فاحش، مسئولیت تعزیری نیز پیش‌بینی می‌کند، رویکردی که همسو با حقوق تطبیقی نوین است.

### نتیجه‌گیری

بررسی فقهی-حقوقی نقش اشتباه و تقصیر در مسئولیت کیفری نشان می‌دهد که عنصر روانی جرم جایگاهی اساسی در انتساب مسئولیت به مرتکب دارد و بدون احراز نوعی سرزنش‌پذیری اخلاقی و حقوقی، تحمیل مجازات با مبانی عدالت کیفری سازگار نیست. در فقه امامیه، هرچند اصطلاح «اشتباه» به معنای مصطلح حقوقی کمتر به کار رفته، اما مفاهیمی چون جهل، خطا، نسیان و تفریط عملاً همان

مال دیگر منتقل می‌شود. نمونه‌ها شامل موارد زیر است: تیراندازی با نیت قتل یا صدمه: مرتکب، گلوله‌ای را به سمت شخص «الف» شلیک می‌کند، اما به دلیل منحرف شدن گلوله در اثر وزش باد یا برخورد با مانع، آن گلوله به شخص «ب» اصابت می‌کند و موجب مرگ یا جرح او می‌گردد. مقصود مرتکب متوجه «الف» بوده اما نتیجه به «ب» اصابت می‌کند (Safai, 2023). پرتاب یا اعمال سم به مال معین: فردی برای تخریب باغ «الف» سم می‌پاشد یا شیء خطرناک پرتاب می‌کند اما به دلیل خطای غیرقابل پیش‌بینی، باغ «ب» دچار آسیب یا تخریب می‌شود (Mousavi Damghani, 2020). انفجار و سرایت حادثه: فردی بمبی را با هدف تخریب منزل خاصی کار می‌گذارد، اما انفجار به ویژگی‌های غیرمترقبه یا عوامل بیرونی، موجب تخریب یا صدمه به ملک مجاور می‌شود (Mohseni, 2021). در همه این مصادیق، آنچه تعیین‌کننده است، قصد و اراده اولیه به سمت موضوعی خاص بوده و صرفاً اجرای ناقص یا بروز عوامل خارجی نتیجه را به سمت موضوع غیرمورد نظر سوق داده است (Allamah Hilli, 1993). مطابق مبانی فقهی و حقوقی، این حالات با اشتباه در هویت مجنی علیه متفاوت است؛ زیرا نه تنها فرد متضرر بالفعل مورد نظر جانی نبوده، بلکه هیچ قصد و سوءنیتی نیز متوجه او نبوده است (Mousavi Damghani, 2020). در فقه امامیه، عنوان «خطا در فعل» یا «خطا در سبب بدین مضمون دقیقاً دلالت دارد که قصد جانی به موضوع یا فرد غیرمورد ضرر منعطف نبوده و تحقق نتیجه نسبت به او معمولاً به فعل اجرایی یا عامل خارجی ارتباط می‌یابد (Mousavi Ardabili, 2021; Tusi, 1987a, 1987b).

### ۲.۲.۳. بررسی تأثیر این نوع اشتباه بر نوع جرم

اشتباه در هدفگیری یا انحراف نتیجه، به وضعیتی اطلاق می‌شود که مرتکب با قصد آسیب به شخص یا مال مشخص، نتیجه عمل به فرد یا مال دیگری اصابت کند، و این امر آثار مستقیم بر نوع جرم و مسئولیت کیفری دارد. در فقه امامیه و قوانین کیفری ایران، چنین عملی عمدتاً در دو دسته «خطای محض» و «شبه‌عمد» طبقه‌بندی

دیدگاه‌های فقهی و مقررات قانونی، به این قاعده کلی نزدیک شد که «مسئولیت کیفری بدون تقصیر قابل توجیه نیست»، مگر در موارد استثنایی که قانون‌گذار به دلایل حمایتی یا نظم عمومی مسئولیت را توسعه داده است. بنابراین، تبیین دقیق معیارهای احراز تقصیر و اشتباه، شرط تحقق عدالت کیفری و تضمین حقوق متهمان است. به‌طور کلی، هرچه نظام کیفری به ارزیابی دقیق‌تر وضعیت ذهنی مرتکب نزدیک‌تر شود، با روح فقه اسلامی و اصول حقوق بشر سازگارتر خواهد بود.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## EXTENDED ABSTRACT

Criminal liability constitutes one of the central pillars of criminal law, as it determines the conditions under which a prohibited act may be attributed to an individual and justify the imposition of punishment. Both Islamic jurisprudence and modern criminal law systems emphasize that liability presupposes the existence of a culpable mental state, including awareness, intent, and free will. Within this framework, mistake and ignorance emerge as decisive factors influencing the mental element (*mens rea*) of crime. Imami jurisprudence approaches mistake through interconnected concepts such as *jahl* (ignorance), *khata'* (error), and *tafrīt* (negligence), all of which reflect varying degrees of moral blameworthiness. Classical jurists sought to distinguish between excusable and inexcusable forms of ignorance, grounding their analyses in principles such as the rule of removal (*qa'idat al-raf'*), the presumption of innocence, and the maxim prohibiting punishment without prior clarification. The Islamic Penal Code of Iran, particularly after the enactment of the 2013 reform, reflects this jurisprudential heritage by recognizing fault through examples such as negligence, recklessness, lack of skill, and violation of governmental regulations (Ardabili,

کارکرد را ایفا می‌کنند. فقهای امامیه با تفکیک میان جهل قصوری و جهل تقصیری، تنها جهل غیرمقصرانه را معذور دانسته و در موارد تقصیر، مسئولیت را برقرار می‌دانند. این رویکرد نشان‌دهنده توجه عمیق فقه به عنصر اراده و امکان پرهیز از رفتار زیان‌بار است. از سوی دیگر، مطالعه قانون مجازات اسلامی ایران بیانگر آن است که قانون‌گذار تا حد زیادی از مبانی فقه امامیه تأثیر پذیرفته و تقصیر را در قالب مصادیقی چون بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی شناسایی کرده است. با این حال، قانون در ارائه یک ضابطه جامع برای تمایز اشتباه معذور از غیرمعذور و نیز در تعیین جایگاه دقیق تقصیر در تمام جنایات غیرعمدی با نوعی ابهام مواجه است. این ابهام می‌تواند به برداشت‌های متفاوت قضایی و ناهمگونی در آرای دادگاه‌ها بینجامد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که می‌توان از مجموع

(2021). Nevertheless, theoretical ambiguity persists regarding the relationship between mistake, fault, and criminal responsibility. Contemporary criminal policy increasingly prioritizes individualized justice and proportional punishment, requiring courts to examine the offender's cognitive condition and degree of awareness. Consequently, reassessing the doctrinal foundations of mistake in light of both classical jurisprudence and modern legal developments becomes essential to preventing unjust punishment and ensuring alignment with principles of fairness embedded in Islamic legal thought.

A fundamental issue in criminal jurisprudence concerns the attribution of harmful conduct to the perpetrator and the determination of when liability is morally and legally justified. Imami jurists classify crimes into intentional, quasi-intentional, and purely accidental categories, each associated with distinct legal consequences. In unintentional crimes, mistake often replaces intent as the defining element shaping responsibility. Jurists acknowledge that not every harmful outcome requires proof of fault; in certain cases, liability arises merely from the occurrence of damage, whereas in others the existence of negligence must be demonstrated (Hosseini Rohani, 1991).

Classical authorities emphasized situations such as failure to safeguard property or animals as examples where negligence transforms accidental harm into legally accountable conduct (Shahid Thani, 1989). Iranian criminal legislation mirrors these distinctions but lacks a comprehensive rule governing the role of fault across all forms of unintentional offenses. This gap has generated interpretive divergence within judicial practice and doctrinal scholarship. The necessity of examining mistake therefore extends beyond theoretical debate; it directly affects judicial consistency and the protection of defendants' rights. From a normative perspective, punishment without genuine fault contradicts ethical rationality and the moral assumptions underlying Islamic jurisprudence. Legal scholars have consequently argued that the scope of criminal liability must be confined to conduct accompanied by blameworthy mental states, thereby reinforcing the principle that criminal sanctions should correspond to personal culpability rather than mere causal involvement (Katouzian, 2021).

The theoretical foundations of mistake within Imami jurisprudence are deeply rooted in the interaction between criminal intent, legal capacity, and fault. Classical legal theory regards culpability as contingent upon awareness and voluntariness; where these elements are undermined by mistake, the legitimacy of punishment becomes questionable. Jurists traditionally distinguish between factual mistake and legal mistake. Factual mistake—ignorance concerning external reality—generally eliminates intent and therefore removes criminal liability, particularly in cases involving mistaken identity or misunderstanding of circumstances. Legal mistake, by contrast, is usually considered non-excusable because individuals are presumed obligated to learn applicable legal norms, although exceptions arise where access to knowledge is genuinely impossible (Javadi Amoli, 2015). At the same time, Imami jurisprudence differentiates criminal liability from civil liability: even when punishment is excluded due to mistake, financial compensation may remain

obligatory under rules of guarantee and loss compensation (Najafi, 2010). Modern Iranian scholarship has explored these doctrinal distinctions, emphasizing that unavoidable ignorance may negate criminal responsibility despite legislative silence on the matter (Mohammadi, 1999). Subsequent studies further identified mistake alongside coercion and insanity as mechanisms capable of removing culpability, although earlier analyses often lacked comprehensive engagement with jurisprudential sources (Komili, 2021). Contemporary research has therefore attempted to synthesize jurisprudential doctrines with statutory provisions to construct a unified analytical framework capable of clarifying the conceptual boundaries between mistake and fault (Mazidi Sharafabadi, 2015).

Imami jurists provide extensive analysis of mistake in relation to unintentional crimes, emphasizing that liability depends on the interaction between error, precaution, and foreseeability. They distinguish errors concerning the victim's identity from errors concerning means or causal processes, both of which influence the classification of homicide and bodily injury. Under the principle that destruction entails liability, compensation such as blood money (*diya*) may arise even when intentional wrongdoing is absent, unless the event qualifies as an unavoidable accident (Khomeini, 2000; Shahidi, 2012). The jurisprudential framework thus balances two objectives: eliminating punishment where culpable intent is lacking while preserving victims' rights through financial responsibility. Scriptural foundations reinforce this approach, as Qur'anic verses and prophetic traditions emphasize accountability based on intention rather than accidental conduct (Jafari Langroudi, 2018; Mousavi Ardabili, 2021). The well-known prophetic narration removing liability for mistake, forgetfulness, and coercion provides doctrinal legitimacy for excluding punishment in non-culpable situations (Ibn Babawayh, 1997). Contemporary jurists increasingly advocate revisiting traditional limitations on excusable ignorance in light of

expanding legal complexity and technological change, arguing that genuine non-culpable ignorance has become more common in modern societies (Sepehri, 2023). These developments illustrate the dynamic character of Imami jurisprudence, which seeks equilibrium between maintaining legal order and safeguarding individual justice through nuanced evaluation of mental responsibility.

Comparative analysis reveals substantial continuity between classical jurisprudence, Iranian statutory law, and modern comparative criminal doctrine. Prominent jurists such as Shaykh Tusi, Allamah Hilli, and Sayyid Murtada emphasized that factual mistake eliminates intentional liability while legal mistake rarely constitutes an excuse unless knowledge was genuinely unattainable (Allamah Hilli, 1993; Mortazavi, 1994; Tusi, 1987a). The Islamic Penal Code reflects these doctrines by requiring proof of intent and awareness as prerequisites for criminal responsibility and by recognizing mistaken identity and error in execution as forms of non-intentional crime leading primarily to financial liability (Mohseni, 2021). Judicial practice in Iran frequently relies on jurisprudential principles such as the presumption of innocence and the rule of removal when assessing defendants' mental states, particularly in medical malpractice and technological offenses (Shams, 2023a). Comparative criminal law demonstrates similar tendencies: modern Western doctrine also links criminal liability to foreseeability and culpability, limiting intentional punishment where mistake undermines mens rea (Bornstein & Greene, 2022; Fletcher, 2000). Even in systems that uphold the maxim "ignorance of the law is no excuse," expanding exceptions reveal a growing commitment to individualized justice. These parallels indicate that Imami jurisprudence and Iranian criminal law participate in a broader global movement toward fault-based liability, confirming the enduring relevance of classical Islamic legal principles within contemporary criminal justice discourse.

The practical manifestations of mistake become especially evident in cases involving mistaken identity, deviation of result, or error in execution. When a perpetrator intends harm toward one individual but inadvertently injures another, Imami jurisprudence treats the act as non-intentional because the required mental element toward the actual victim is absent (Safai, 2023). Iranian courts similarly classify such incidents as quasi-intentional or accidental crimes, replacing retributive punishment with compensation while permitting discretionary sanctions when gross negligence is proven (Mohseni, 2021). Comparative legal systems adopt analogous solutions, denying intentional homicide liability where direct intent toward the actual victim cannot be established (Dressler, 2022). These applications demonstrate that mistake functions not merely as an abstract doctrinal category but as a practical mechanism for aligning legal outcomes with moral blameworthiness.

The study ultimately demonstrates that criminal liability within Imami jurisprudence and Iranian criminal law is inseparable from the assessment of human awareness, intention, and fault. Distinguishing excusable from inexcusable mistake remains essential for achieving substantive justice and preventing punishment without genuine culpability. Clarifying legal standards governing mistake and fault can enhance legislative coherence, reduce judicial inconsistency, and strengthen protection of defendants' fundamental rights. A criminal justice system that carefully evaluates the offender's mental condition more faithfully reflects both Islamic jurisprudential ethics and contemporary principles of humane criminal law.

## References

- Al-Zuhayli, W. (1997). *Islamic Jurisprudence and Its Evidence* (4th ed., Vol. 7). Dar al-Fikr.
- Allamah Hilli, H. Y. (1993). *Memorial of the Jurists* (1st ed.). House for the Revival of Arab Heritage.
- Ansari, M. (2012). *The Earnings* (Vol. 2). Teachers Association Publications.

- Ardabili, M. A. (2021). *General Criminal Law* (14th ed., Vol. 1 & 2). Mizan Publications.
- Bornstein, B. H., & Greene, E. (2022). *The Jury Under Fire: Myth, Controversy, and Reform*. Oxford University Press.
- Dressler, J. (2022). *Understanding Criminal Law* (10th ed.). Carolina Academic Press.
- Fletcher, G. P. (2000). *Rethinking Criminal Law*. Harvard University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780195136951.001.0001>
- Goldouzian, I. (2022). *General Criminal Law* (20th ed., Vol. 1). Majd Publications.
- Hosseini Rohani, S. M. (1991). *Jurisprudence of al-Sadiq* (Vol. 2). Dar al-Kitab.
- Ibn Babawayh, M. A. (1997). *He Who Has No Jurist With Him* (2nd ed., Vol. 4). Islamic Publications Office.
- Jafari Langroudi, M. J. (2018). *Legal Terminology* (22nd ed.). Ganj-e Danesh.
- Javadi Amoli, A. (2015). *Defining Ignorance in Jurisprudence and Law* (1st ed.). Islamic Research Center Publications.
- Katouzian, N. (2021). *General Criminal Law* (28th ed.). Ganj-e Danesh Publications.
- Kerchove, M. (2017). *Penal Law and Judicial Responsibility* (2nd ed.). Paris University Press.
- Khoei, A. Q. (1989). *Compendium of Hadith Narrators* (Vol. 7 & 8). Imam Khoei Institute Publications.
- Khomeini, S. R. (2000). *Clarification of the Means* (2nd ed., Vol. 2). Institute for the Publication of Imam Khomeini's Works.
- Komili, H. (2021). Investigation of Factors Relieving Criminal Responsibility in Iranian Law. *Legal Research Quarterly*, 12(3), 85-108.
- Kulayni, M. Y. (1996). *Principles of al-Kafi* (6th ed., Vol. 1). Islamic Books House.
- Mazidi Sharafabadi, A. (2015). The Role of Mistake in Criminal Responsibility in the Islamic Penal Code. *Journal of Criminal Law*, 6(2), 55-78.
- Mohammadi, M. (1999). The Impact of Mistake on Criminal Responsibility in Jurisprudence and Criminal Law. *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, 46, 121-145.
- Mohseni, G. (2021). *Commentary on the Islamic Penal Code* (4th ed.). Mizan Publications.
- Mortazavi, A. A. (1994). *The Victory* (1st ed.). Teachers Association Publications.
- Motahhari, M. (2019). *Collected Works* (15th ed., Vol. 23). Sadra.
- Mousavi Ardabili, A. K. (2021). *Lessons in Criminal Jurisprudence* (5th ed.). Mizan Publications.
- Mousavi Damghani, R. (2020). *Jurisprudential and Legal Foundations of Criminal Responsibility* (1st ed.). Khorsandi Publications.
- Movahed Abtahi, A. (2022). Error and Professional Responsibility in Imami Jurisprudence. *Medical Law Quarterly*, 11(3).
- Najafi, M. H. (2010). *Jewels of Eloquence in Explaining Islamic Laws* (7th ed., Vol. 41-42). Ismaelian Publications.
- Qaradawi, Y. (2006). *Jurisprudence of Crime and Punishment in Islam* (1st ed.). Dar al-Shuruq.
- Safai, H. (2023). *Civil and Criminal Liability in Imami Jurisprudence and Iranian Law* (2nd ed.). Mizan Publications.
- Safai, S. (2022). *Criminal Sociology of Iran* (1st ed.). Mizan Publications.
- Safai, S. H. (2022). *Civil and Criminal Liability in Imami Jurisprudence and Iranian Law* (3rd ed.). Mizan Publications.
- Sepehri, Z. (2023). A Critique of the Rule of Ignorance of the Law and Criminal Responsibility in Imami Jurisprudence. *Journal of Jurisprudence and Criminal Law Research*, 6(4).
- Shahid Thani, Z. A. (1989). *Paths of Understanding to the Refinement of Islamic Laws*. Institute of Islamic Knowledge.
- Shahidi, M. (2012). *Civil Liability in Imami Jurisprudence* (4th ed.). Bustan-e Ketab Publications.
- Shams, A. (2023a). A Comparative Study of Criminal Responsibility and Ignorance of Law and Fact. *Journal of Jurisprudence and Law Research*, 8(2).
- Shams, A. (2023b). *A Critical Analysis of the Psychological and Social Elements of Premeditated Murder*. University of Tehran Press.
- Tusi, M. H. (1987a). *The Disagreement* (1st ed., Vol. 2). Dar al-Zakhaer Publications.
- Tusi, M. H. (1987b). *The End* (2nd ed.). Islamic Books House.